

شاهسون

01 Aralık 2011

۴۷۱ - ۴۷۶

and Turan, Princeton, N.J. 1988; N.B. Nemtseva, "Istoki kompozitsii i etapy formirovaniya ansamblya Shakhi-Zinda = The origins and architectural development of the Shāh-i Zinde", translated, with additions by J.M. Rogers and 'Ādil Yāsīn, Iran, vol. 15 (1977).

/ مریم حیدرخانی /

شاهسلطان حسین ← حسین صفوی

شاهسون، نام مجموعه‌ای از برخی طوایف ترک ایران، که با همین نام یا ترکیبی از آن با نامهای دیگر در دوره‌های صفوی و قاجار در آذربایجان، زنجان، قزوین، ساوه، قم و فارس به سر می‌برده‌اند.

نام و خاستگاه. شاهسون، مرکب از واژه‌های فارسی شاه و ترکی سون، به معنای دوستدار شاه است (عزیزی، ص ۲۹)؛ در منابع دوره صفوی، به همین معنا، به صورت «شاهی سون» (← منشی قمی، ج ۲، ص ۷۸۲؛ وحید قزوینی، ص ۱۰۵) و «شاهی سیون» (اسکندرمنشی، ج ۱، ص ۱۲۰، ۳۰۰، ۳۸۳؛ محمدابراهیم نصیری، ص ۲۹) به کار رفته است. اطلاعات متقدم درباره پیشینه شاهسونها پراکنده و مبهم اما اطلاعات منابع جدید جامع‌تر است، به ویژه کتاب «چادرنشینهای مرزنشین ایران: تاریخ اجتماعی و سیاسی شاهسون»^۱ تألیف ریچارد تاپر^۲ که یکی از مستندترین منابع درباره شاهسونهای مغان^۳ و اردبیل^۴ است.

خاستگاه شاهسونها و تمایز آنها از دیگر ایلات و طوایف چندان روشن نیست. در سده چهاردهم / بیستم، گزارشهای مختلفی در این باره طرح شده است؛ ملکم^۲، بدون استناد به منابع دوره صفوی، شاهعباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸؛ ← عباس صفوی^۳) را بنیانگذار ایل شاهسون معرفی کرده است (← ج ۱، ص ۳۶۹). براساس روایتهای شفاهی درباره شاهسونها، که در اواخر سده سیزدهم ثبت شده است، طوایفی از ترکان آناتولی به رهبری بُصْرِیاشا، پس از مهاجرت به ایران، باکسب اجازه از شاهعباس اول، در اردبیل و مغان ساکن شدند و شاه این طوایف را شاهسون نامید. پس از بُصْرِیاشا، پسرانش رهبری طوایف را عهده‌دار شدند. شمار چادرهای طوایف اولیه ۳۳۰۰ بود که در طول زمان، طوایف دیگری نیز به آنها پیوستند (← تاپر، ص ۵۸-۷۱، ۱۸۶).

بر پایه منابع دوره صفوی (حک: ۹۰۷-۱۱۳۵)، شاهسون / شاهی سیون عنوان ایل و طایفه معینی نبوده، بلکه به دستداران

امروزی شامل ایوانی رو به جنوب و دو اتاق کوچک و بزرگ است که با دو گنبد پوشیده شده‌اند. هر دو گنبد دوپوش است و ساقه‌هایی بسیار بلند دارد. ساخت این بنا بخشی از کاری بزرگ‌تر در اتصال سردر جنوبی به آرامگاههای بالاتر بر تپه افراسیاب بوده است. گویا همین زمان در آن سوی گذر هم بناهایی ساخته بوده‌اند که از همه آنها فقط همین دو گنبد برجاست. بنا را در دوره الغ‌بیگ، حدود ۸۲۰، ساخته‌اند، اما انتساب آن به قاضی‌زاده رومی، اساسی ندارد و محتمل است آرامگاه دو زن دیگر از دستگاه تیموریان باشد (همان، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۵۱).

در مجموع، شاه زنده نماینده گونه‌ای ویژه از گورستانهای سلطنتی در عالم اسلام است. کانون شکل‌گیری مجموعه آرامگاه شخصیتهای تاریخی است که با گذر چند سده، درباره او افسانه‌هایی شکل گرفته و منظومه‌ای فرهنگی پدید آمده است. در پایان سده هشتم بود که جایگاه شاه زنده در قالب گورستانی سلطنتی، با تمرکز بر خاکسپاری زنان دربار تیموری، تثبیت شد. از آن پس، همه این آرامگاههای غیرمذهبی به سبب مجاورت با مزار پسرعموی پیامبر جایگاهی زیارتی یافتند. آنچه در این میان چشمگیر است همبستگی مجموعه‌ای است که در طول سده‌ها به دست حامیان و معماران و استادکاران گوناگون پدید آمده است. از این گذشته، شاه زنده در شناخت مجموعه‌های آرامگاهی در ایران و ماوراءالنهر و آرامگاههای تیموری و آرامگاههای زنان جایگاه مهمی دارد (برای اطلاع بیشتر ← آرامگاه^۴؛ تیموریان^۵، بخش ۳، قسمت ب: معماری).

منابع: ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه، چاپ علی متصر کتانی، بیروت ۱۳۹۵/۱۹۷۵؛ محمد خدر، «دو وقتنامه بر جای مانده از قراخانیان آسیای مرکزی»، ترجمه جمیله دبیری، وقف: میراث جاویدان، سال ۴، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۵)؛ منوچهر ستوده، آثار تاریخی و راهبردی و خوارزم، تهران ۱۳۸۸-۱۳۸۴؛ ابوطاهرین ابوسعید سمرقندی، سمریه / ثمریه، در قندیه و سمریه: دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند، چاپ ایرج افشار، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۷؛ محمدبن عبدالجلیل سمرقندی، قندیه، در همان؛ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، چاپ سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، تهران ۱۳۸۷؛ ش:

Sheila S. Blair and Jonathan M. Bloom, *The art and architecture of Islam: 1250-1800*, New Haven, Conn. 1995; *ET*², s.v. "Samarqand.2: architecture" (by Yolande Crowe); Vadim Evgen'evich Gippenreiter, *Fabled cities of Central Asia: Samarkand, Bukhara, Khiva*, text by Robin Magowan, New York 1989; Lisa Golombek and Donald Newton Wilber, *The Timurid architecture of Iran*

1. Frontier nomads of Iran: a political and social history of the Shahsevan

2. Richard Tapper

3. Malcolm